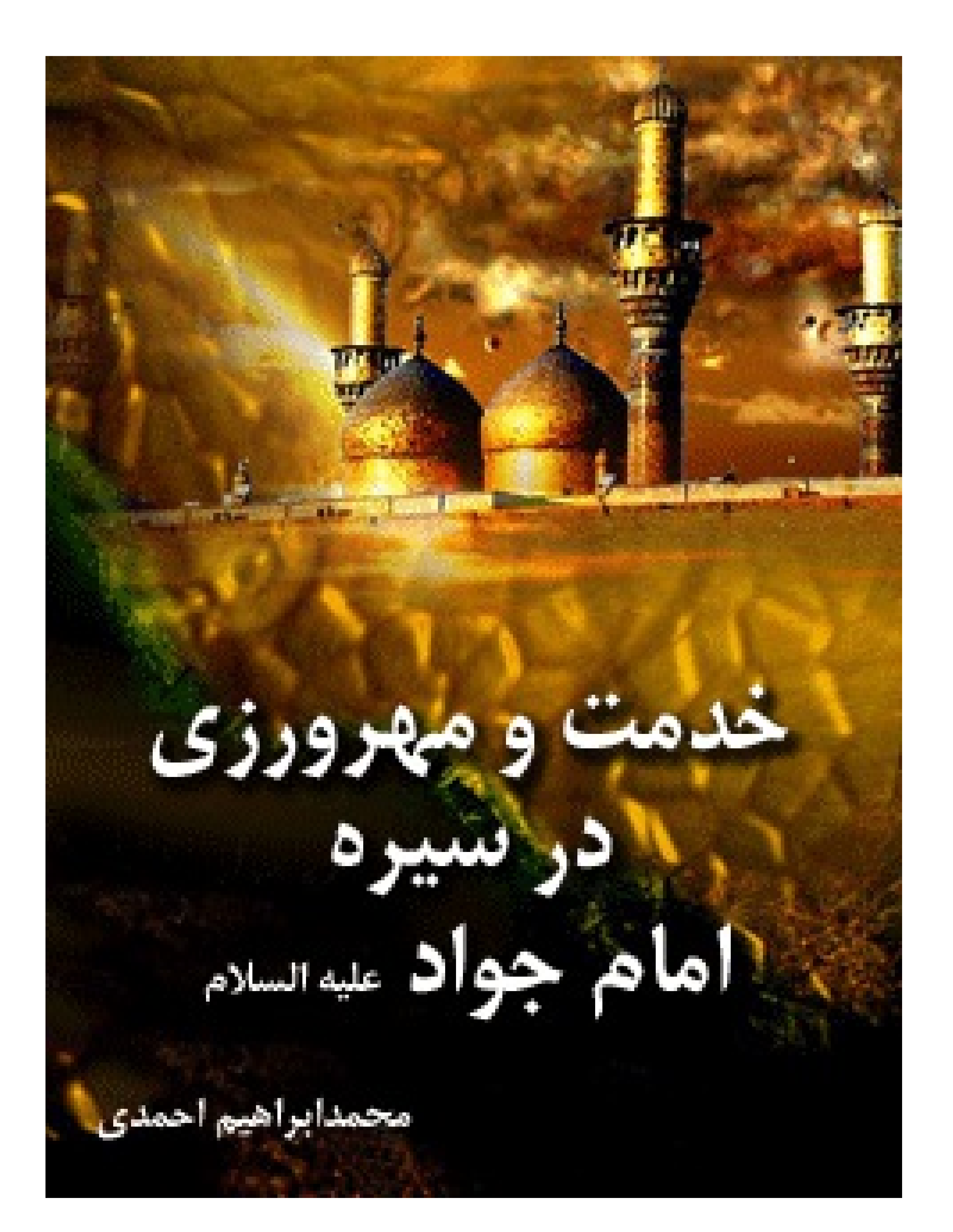

خدمت و مهرورزی
در سیره
امام جواد علیه السلام
محمدابراهیم احمدی


بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت و مهرورزی در سیره امام جواد علیه السلام

نویسنده:

محمد ابراهیم احمدی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

خدمت و مهرورزی در سیره امام جواد علیه السلام

مشخصات کتاب

مؤلف: محمد ابراهیم احمدی

ناشر : محمد ابراهیم احمدی

مقدمه

در قاموس زندگی، واژگانی وجود دارد که گستره ی آن، چشمگیر بوده و در مقابل دیدگان و دل های حقیقت جو، از قداست و لطافت فراوان برخوردار است. آیا به راستی مصادیق کلماتی چون؛ «خدمت» و «مهرورزی» را می توان یک به یک شمارش کرد و سپس در فرصتی اندک به واگویه ی آن پرداخت، به ویژه اگر پیدایی و شکوفایی آن، ریشه در زندگی عرشیان داشته باشد؟! در نوشتار حاضر که از فصلنامه ی فرهنگ کوثر ش ۶۵ برگزیده شده گلچینی از سیره و سخنان امام جواد(ع) به پیشگاه خوانندگان گرامی تقدیم می شود.

خدمت چیست؟

«خدمت» همان کمک کردن و سود رسانی است که هر فردی براساس شرایط زمانی، مکانی و فکری، و نیز توانایی ها و امکاناتش، می تواند در حق دیگران انجام دهد؛ رهانیدن دیگری از سختی و اندوه و رسانیدن وی به جایگاه مطلوب.

مفهوم مهرورزی

«مهرورزی» نیز اعلام و اعلان دوستی و محبت است که در قالب های گوناگون می تواند جلوه گر شود؛ اما بر اساس عواملی کیفیت و کمیت آن، مسیر افزایش یا کاهش را می پیماید.

سفره پربرکت

اشاره

مسئله ی «اقتصاد سالم» یکی از آموزه های دینی پیامبران و امامان (ع) می باشد؛ لذا بایسته است برای رسیدن به نقطه ی مطلوب، سیره ی مدیریتی و ارشادی آن بزرگواران مورد پژوهش و سپس کاربردی کردن، قرار بگیرد. به فرازی از گفتار و رفتار امام توجه کنید:

حق الناس

– شخصی به نام مطرفی نقل می کند: من چهار هزار درهم به حضرت رضا (ع) قرض داده بودم و جز ما دو نفر، کسی از این قضیه خبر نداشت؛ یک موقع خبر رسید که امام به شهادت رسیده است؛ لذا پیش خود می گفتم: مالم تلف شد...! تا این که

پسرش امام جواد(ع) برایم پیغام فرستاد فردا به نزدش بروم. وقتی نزد حضرت رفتم، فرمود: «پدرم رحلت کرد و تو چهارهزار درهم از وی طلب داشتی؟» عرض کردم: آری. آن حضرت از زیر سجاده اش دینارهایی بیرون آورد و به من داد؛ بعد از محاسبه متوجه شدم دقیقاً چهار هزار درهم است. ابوتمامه نقل می کند: روزی به حضرت عرض کردم: می خواهم به مکه بروم، در حالی که بدهی دارم، [شما چه می فرمایید] ؟ امام فرمود: «ارجع الی مؤدی دینک، وانظر ان تلقی الله عزوجل و لیس علیک دین، فان المؤمن لایخون؛ برای پرداخت بدهی ات برگرد، و دقت و توجه کن که خدای عزوجل را هنگامی ملاقات کنی (زیارت خانه خدا) که در ذمه ات بدهی نباشد؛ چرا که مؤمن [به حق الناس] خیانت نمی ورزد.»

کارآفرینی

ابوهاشم جعفری می گوید: قبل از اینکه نزد امام جواد(ع) شرفیاب شوم، شترچرانی با من درد دل کرد و گفت: به امام بگو فلانی، جویای کار است. وقتی پیش حضرت رفتم، دیدم با عده ای مشغول غذاخوردن است؛ لذا فرصت را مناسب ندیدم تا تقاضای ساربان را بیان کنم امام جواد(ع) مرا به خوردن غذا فراخواند و سپس به خدمتکارش فرمود: «شتربانی هست که با ابوهاشم نزد ما می آید، او را پیش خود

نگهدار و برایش کاری معین کن تا مشغول شود.

گنجینه ی بخشش

اسماعیل بن عباس هاشمی می گوید: در یکی از اعیاد به محضر امام جواد(ع) رفته و بعد از سلام، فرارسیدن عید را تبریک گفتم؛ سپس از تنگدستی خود شکایت کردم. حضرت گوشه ی سجاده اش را بلند کرد و از درون خاک، قطعه ای طلا بیرون آورد و به من بخشید. بعد از خداحافظی، با خوشحالی وارد بازار شدم و مایحتاج زندگی ام را خریدم. - ابوهاشم داود بن قاسم جعفری نقل می کند: امام جواد(ع) کیسه پولی، شامل سیصد دینار، به من داد تا به یکی از پسر عموهایش بدهم. سپس فرمود: «آگاه باش که او به تو خواهد گفت: «مرا به پیشه وری راهنمایی کن تا با این پول کالایی از او خریداری کنم.» ای ابوهاشم! او را راهنمایی کن.» وقتی نزد وی رفتم و پول را دادم، همان تقاضا را مطرح نمود و من نیز تاجری را معرفی کردم تا با هم داد و ستد داشته باشند.

سایه سار محبت

در طول زندگی، حوادثی را می توان مشاهده کرد که مسیر زندگی فرد و جامعه را دستخوش تغییر و تحول قرار می دهد؛ چه بسا آدمی در برخورد با ناملایمات، اراده و مقاومت مطلوبی از خود نشان ندهد و مغلوب رخدادها گردد. از این رو، براساس فرموده ی الهی و تواصوا بالحق و تواصو بالصبر. نیازمند حمایت معنوی و مادی اطرافیان است تا به برکت همیاری و مساعدت دیگران، از شدت و سنگینی «مصائب» کاسته شود. امام جواد(ع) به عنوان مربی و طبیب دلسوز امت اسلامی، برای پیش گیری و درمان برخی از حوادث ناگوار (زلزله، بیماری، مرگ، سرقت و...) نسخه های ماندگار و کارآمدی نگاشته

است که به بیان نمونه هایی از آنها بسنده می شود.

در پناه قرآن و عترت

علی بن مهزیار نقل می کنند: به امام(ع) نامه نوشتم و از زلزله های متعددی که در «اهواز» واقع می شد، گلایه کردم و پرسیدم: به نظر شما از اهواز به جای دیگری کوچ کنم؟ امام در پاسخ نوشت: «از آنجا کوچ نکنید؛ بلکه روزهای چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه را روزه بگیرید و در روز جمعه، بعد از غسل کردن و پوشیدن لباس پاکیزه، در مکانی (مسجد و یا بیابان) جمع بشوید و به درگاه الهی دعا کنید؛ زیرا خداوند است که زلزله را از شما برطرف می گرداند.» زمانی که به دستورات حضرت عمل کردیم، زلزله ها پایان پذیرفت.

داروی شفابخش

محمد بن عمیر واقد رازی می گوید: دردی در قسمت کمر و پهلویم ایجاد شده بود که برخی از روزها شدت می یافت؛ لذا از امام جواد(ع) خواستم برای برطرف شدن آن دعا کند. حضرت برایم چنین دعا فرمود: «وأنت فعافاك الله؛ خداوند به تو سلامتی عطا فرماید.» از آن لحظه تاکنون دیگر به آن بیماری دچار نشده ام. وی همچنین نقل می کند: با برادرم خدمت حضرت رسیدم وی از تنگی نفس شکایت کرد، امام در حقش فرمود «عافاك الله مما تشکو؛ از آنچه شکایت کردی، خداوند عافیت و سلامتی نصیبت بگرداند.» وقتی از خانه ی حضرت بیرون آمدیم، بیماری برادرم خوب شد و تاهنگام رحلتش هم عود نکرد. ابوهاشم جعفری نقل می کند: همراه حضرت به باغی رفتیم، در آنجا عرض کردم: من به خوردن گل خیلی علاقه دارم، برایم دعا بفرمایید تا این عادت ناپسند را ترک کنم. امام در آن لحظه سکوت نمود؛ اما بعد از چند روز به من فرمود:

«ای ابوهاشم! خداونـد آن عادت را از تو برداشت؟» گفتم: آری، اکنون منفورترین و بـدترین چیز پیش من، خوردن گل است. حضـرت برای تسـلای دل یکی از شـیعیانش نامه ای فرستاد که در آن آمده است: «به نام خداوند بخشایشگر مهربان! حادثه ی رحلت فرزندت را یادآور شده ای و برایم گفتی که او عزیزترین فرزندانت بود؛ در واقع خداوند متعال نیز پاک ترین چیزها، از جمله فرزنـد هر خانواده ای را برمی گزیند تا بدین وسـیله پاداش سـرشاری به داغداران عطا کند.» امام جواد(ع) در ادامه چنین دعا می کند: «فأعظم الله اجرك و أحسن عزاك...؛ پس، خداوند ثوابت را افزون گرداند و سوگواری ات را نیکو سازد و قلبت را پایـدار کند، که به درستی خداوند تواناست. و نیز خداوند به زودی برایت جایگزینی (فرزندی) ارزانی دارد، و من امیدوارم که خداوند این کار (پاداش و صبر نیکو و تولد فرزندی صالح) را انجام دهد. به خواست خدا

پیام آور شادی

احمـد بن حدیـد و همراهـان وی در سـفر حـج، مورد یورش دزدان قرارگرفته و تمام دارایی، حتی پیراهن های آنها به سـرقت رفت؛ زمـانی که به مـدینه برگشـتند، احمـد نزد امام رفت و ماجرا را بازگو کرد. در این موقع بود که آن حضـرت پیراهن ها و دینارهایی به وی عطا کرد تا بین دوسـتان و همسـفرانش تقسـیم کنـد، او نیز شـتابان پیش آنان رفت و سـهم هر یک را داد؛ به گونه ای که همگی به اندازه ی اموال غارت شده ی خود بهره مند شدند و با کمال خوشـحالی و سپاس گذاری به سوی خانه های خود رهسپار گردیدند.

زدودن نگرانی

یکی از خـدمتکاران امام جواد(ع) در سـفری پارچه هایی برای حضـرت خریده بود، در هنگام بازگشت، اموالش مورد سـرقت دزدان قرار گرفت و از این حادثه بسـیار اندوهگین شد؛ برای کسب تکلیف، نامه ای به امام نوشت و ماجرا را گزارش داد. آن حضـرت نیز در پاسخ چنین نوشت: «ان انفسـنا و اموالنا من مواهب الله...؛ همانا جان ها و ثروت های ما از بخشش های گوارای خداوند و عاریه سپرده اوست. تا آنجا که از آن بهره مند شویم، مایه خوشـی و شادی است و آنچه هم [به غارت] ببرند، اجر و ثواب است. بنابراین، هر که جزعش بر صبرش غالب شود، اجرش ضایع شده است. پناه بر خدا از آن.»

مسئولیت؛ خدمت، مهرورزی

یکی از اهالی سیستان می گوید: در اوایل حکومت معتصم عباسی همراه امام جواد(ع) و عده ای دیگر، عازم مراسم حج شدم؛ در مسـیر مکه، به هنگام استراحت و خوردن غـذا، خدمت امام عرض کردم: فدایت شوم! فرماندار شـهر ما از محبان و دوسـتان شما می باشد، در دفتر مالیاتی اش بدهکار هسـتم. خداوند، مرا فدایت سازد! اگر مصـلحت می دانی، در خصوص نیکی کردن به من، نامه ای برایش بنویس. حضـرت فرمود: او را نمی شـناسم. گفتم: فدایت شوم! او از دوسـتداران شما اهل بیت می باشد؛ نامه حضرت عالی مؤثر خواهد بود. امام جواد(ع) درخواستم را قبول کرد و این گونه نوشت: «بسم الله الرحمن الرحیم! اما بعد، فان موصل کتابی هـذا ذکر عنك مـذهبا جمیلا، و ان ما لک من عملك الا ما احسـنت فیه، فاحسن الی اخوانک، واعلم آن الله عزوجل سائلك عن مثاقیل الذره و الخردل؛ به

نام خداونـد بخشایشـگر مهربان! اما بعـد، حامل نامه از عقیده ات به نیکی یاد کرده است، بدان که جز رفتار نیکو چیزی برایت سودمنـد نخواهـد بود. بنابراین، به برادران ایمانی خود نیکی کن. آگاه باش که خداوند متعال حتی از کوچک ترین چیزها، تو را مـورد بـازخواست قرار می دهـد.» نـامه را از امـام گرفتـم و به سـوی وطنم رهسـپار شـدم، والی سیسـتان (حسـین بن عبـدالله نیشابوری) وقتی خبردار شـد که امام برایش نامه ای فرسـتاده، به اسـتقبالم آمـد و بعـد از بوسـیدن نامه و خوانـدن آن، با کمال احترام از من پرسید: چه نیازی داری؟ من هم مشکل مالی و عدم توانایی ام در پرداخت مالیات را یادآور شدم. وی دستور داد: تا مادامی که من فرماندار هسـتم، فلانی از پرداخت مالیات معاف است. آری، به برکت نامه ی امام جواد(ع) حاکم سیسـتان از آن روز تا هنگام رحلتش نسبت به من و خانواده ام «نیکی» نموده و هر از چند گاهی، هدایایی برایم می فرستاد.

رهایی از اسارت

یکی از سـیاست هـای دشـمنان، بـازداشت و حبس اصـحاب امامان(ع) بود؛ به شـکلی که پیامـدهای ناگواری برای اصـحاب و خانواده ی آنان در پی داشت. امام جواد(ع) برای آزادی برخی از شـیعیان، اقداماتی داشته که به یک نمونه اشاره می شود. در تاریـخ پرفراز و نشـیب «تشـیع» مردان و زنـانی را می تـوان معرفی نمـود که نقش ممتـاز و مانـدگاری داشـته انـد؛ یکی از آنها «اباصـلت»، خادم متعهد امام رضا(ع) می باشد. مأمون پس از شهادت امام و در روز خاکسپاری بدن مطهر حضرت، اباصلت را تحت فشار قرار داد تا حوادث روزهای پایانی و اسرار و گفتار امام

رضا(ع) را باز گو کند... ادامه داستان را از زبان خود وی می شنویم: مأمون گفت: هر آنچه از علی بن موسی الرضا(ع) شنیده ای، برایم تعریف کن. به او گفتم: در این لحظه چیزی یادم نمی آید، در واقع فراموشم شده بود. اما خلیفه عباسی حرفم را نپذیرفت و دستور داد مرا به زندان بفرستند... یک سال در زندان بودم و زندان برایم تنگ شده بود تا اینکه یک شب بیدار ماندم و از سویدای دل به راز و نیاز پرداختم و خداوند را به پیامبر و خاندانش سوگند دادم که مرا نجات دهد. هنوز دعایم به پایان نرسیده بود که ناگاه امام جواد(ع) را در کنار خود مشاهده کردم... حضرت بعد از گشودن زنجیرها، مرا از میان نگهبانان عبور داد؛ آنان در حالی که ما را می دیدند، قدرت سخن گفتن و ممانعت نداشتند. وقتی از محیط زندان خارج شدیم، امام جواد(ع) به من فرمود: «امض فی ودائع الله فانك لن تصل الیه و لایصل الیك ابدا؛ رهسپار شو در پناه و حمایت خدا. چرا که هرگز به نزد مأمون نخواهی رفت و او نیز دیگر به تو دست نخواهد یافت.» اباصلت در پایان، می گوید: از آن هنگام تا الان، من و مأمون هیچ گاه یکدیگر را ندیده ایم.

جویبار مهر

اشاره

امام جواد(ع) در راستای نکوداشت صالحان و ترویج «مهرورزی» اقدامات شایان توجهی داشته که به برخی از آنها اشاره می شود.

تشویق های پیاپی

- یکی از شاگردان نمونه ی امام جواد(ع) که بارها مورد تجلیل و تحسین آن حضرت قرار گرفته، «علی بن مهزیار اهوازی» است. با مرور حوادث تاریخی عصر مأمون و معتصم عباسی، درمی یابیم که شخصیتی چون علی بن مهزیار در گفتار و رفتار خود، ویژگی های ممتازی داشته که کمتر کسی به آن پایه و رتبه رسیده است! در اینجا به فرازهایی از نامه های حضرت در ستایش «علی بن مهزیار» می پردازیم. ... قد ملأتنی سروراً فسرك الله، و أنا ارجو من الکافی الدافع، أن یکفیك کید کل کائد ان شاءالله؛... به تحقیق [با گزارش این اخبار] مرا خوشحال گردانیدی، خدا نیز تو را شادمان سازد و از درگاه خداوندی که کفایت کننده و دفع کننده است، آرزومندم تو را از خطر هر نیرنگ بازی تحت کفایت و عنایت خود قرار دهد. به خواست خدا. سررتنی بما ذکرت من ذلك، و لم تزل تفعل، سرك الله بالجنه و رضی عنك برضائی عنك، و أنا أرجو من الله العفو و الرأفه...؛ مرا به سبب اخباری که گزارش داده ای، شادمان ساخته ای، همچنان این کار را انجام بده. خداوند تو را [به ورود] به بهشت مسرور گرداند و از تو خشنود باشد به جهت خشنودی من از تو، و من برای تو از پیشگاه الهی بخشش و عنایت آرزومندم... یا علی! أحسن الله جزاك، و أسکنك جنته، و حشرك الله معنا؛ ای علی! خداوند پاداشت را نیکو گرداند، و تو را در بهشت

خـود سـکنا دهـد، و از خواری در دنیـا و آخرت نگـاه دارد، و نیز تو را بـا مـا محشور سـازد. ای علی! بارهـا تو را در خصوص خیرخواهی، اطـاعت، خـدمت، احترام کردن و انجام دادن وظایفت آزموده ام؛ لـذا اگر بگویـم: «شخصـی هماننـد تو را [در بین یارانم] ندیده ام» هر آینه امید و باور دارم که به صداقت، چنین سـخنی گفته ام. بنابراین، خداوند پاداش تو را سـکونت در باغ هـای بهشتی قرار دهـد، و [آگـاه بـاش که] جایگـاهت و نیز خـدماتی که در گرمـا و سـرما و شب و روز انجـام داده ای، بر من پوشـیده نیست؛ لذا از خداوند مسئلت دارم به هنگام گردآمدن مردم در رستاخیز، تو را مورد رحمت ویژه قرار دهد تا شادمان شوی؛ چرا که خداوند، شنونده ی دعاست.»

پاداش نیکی

– قاسم بن حسن تعریف می کنـد: در مسـیر مکه و مـدینه بودم که چادرنشـین مستضـعفی نزدم آمد و درخواست کمک کرد، دلم به حالش سوخت؛ لـذا قرص نانی به وی دادم. هنگامی که از پیشم رفت، طوفان و گرد و غباری به پاخاست، به طوری که عمامه ام را از سرم برداشت و برد و من نفهمیدم باد، چگونه آمد و عمامه ام را کجا برد تا اینکه وارد مدینه شدم و خدمت امام جواد(ع) رسـیدم؛ حضـرت پرسـید: «عمامه ات در جاده ناپدیـد شد؟» عرض کردم: بله. در این موقع، به غلامش فرمود: «عمامه اش را نزدش بیاور.» با دیدن آن، شـگفت زده پرسـیدم: ای پسـر پیامبر! چگونه پیش شـما آمده است؟! حضـرت، لبخندی زد و فرمود: «تو بر آن اعرابی صدقه دادی؛ لذا خداوند پاداش تو را

داده و عمامه ات را برگرداند. زیرا (ان الله لایضیع أجر المحسنین؛ خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی سازد.» تو نیکی می کن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز

چشمه سار عطوفت

اشاره

- محمد بن ولید کرمانی می گوید: در مسیر سفر، همراه امام جواد(ع) بودم تا اینکه وقت غذا خوردن فرا رسید؛ وقتی غذا خوردیم و سفره برچیده شد، غلام به جمع آوری ریزه های غذا پرداخت. در این هنگام، امام فرمود: «هرگاه در صحرا غذایی باقی ماند (حتی ران گوسفند) آن را برندارید [تا جانوران و حیوانات از آن بهره مند شوند] اما در محیط خانه، دورریزها را جست و جو و جمع کنید [تا مبادا پایمال شود] .»

تکریم پدر

- بکربن صالح می گوید: دامادم به امام جواد(ع) نامه نوشت که: پدرم از دشمنان شما (ناصبی) و فاسدالعقیده است و گاهی از ناحیه او، سختی و دشمنی می بینم. فدایت شوم! برایم دعا بفرمایید. فدایت شوم! شما چه دستوری می دهید، آیا با وی ستیز داشته باشم یا مدارا کنم؟ امام در پاسخ نوشت: «المداراه خیر لک من المکاشفه، و مع العسر، یسر، فاصبر فان العاقبه للمتقین، ثبتک الله علی ولایه من تولیت، نحن و انتم فی ودیعه الله الذی لاتضیع و دائعه!... مدارا کردن برای تو از ستیزه جویی بهتر است، و [آگاه باش که] همراه سختی و دشواری، آسانی و گشایش هم وجود دارد. بنابراین، بردبار باش؛ چرا که سرانجام نیک، از آن پرهیزکاران است. خداوند تو را بر ولایت آن که دوستدارش هستی (امامان)، استوار گرداند. ما و شما در حمایت و سپرده خدایی هستیم که اماناتش تباه نخواهد شد».

توشه آخرت

از آنجا که مدت زمان زندگی دنیوی و نیز مسئولیت های اجرایی و علمی، بسیار محدود و گذرا است؛ می طلبد که با به جا نهادن خدمات شایسته (باقیات الصالحات) دعای خیر مردم را دیباچه ی مرحله ی بازنشستگی و نیز بدرقه ی سفر اخروی خود گردانیم. در مکتب تربیتی امام محمد تقی(ع) آموزه هایی وجود دارد که بهره گیری از آنها «ارزش افزوده ی» زندگی و توانایی ما را بیشتر و بهتر تضمین می کند.

توفیق خدمت

- اربع خصال تعین المرء علی العمل: الصحه و الغنی والعلم و التوفیق؛ چهار چیز موجب یاری انسان بر انجام کار می شود: سلامتی، ثروت، دانش و توفیق الهی المؤمن یحتاج الی توفیق من الله؛ مؤمن به توفیق از طرف خدا، نیاز دارد.

برکات خدمت

- موت الانسان بالذنوب اکثر من موته بالاجل و حیاته بالبر اکثر من حیاته بالعمر؛ مرگ انسان به واسطه ی انجام گناه، بیشتر

است تـا مرگ طـبیعی و عـادی، و نیز زنـدگی او به سـبب نیکی و احسـان، بیشتر است از زنـدگی معمولی. اهـل المعروف الی اصطناعه احوج من اهل الحاجه، لان لهم اجره و فخره و ذکره...؛ نیکوکاران به انجام کار نیک، محتاج تر هستند از حاجتمندان و نیازمندان. زیرا پاداش، مباهات و خوش نامی آنها به سبب انجام احسان و نیکی است.

حسن اخلاق

- عنوان صحیفه المؤمن حسن خلقه؛ خوش اخلاقی، در راس نامه ی اعمال مؤمن است.

سفره ی احسان

خداونـد متعال به هر یک از ما - کم و بیش - نعمت هایی داده که دوام و برکت آن منوط به رعایت اموری چند است. گفتار آسـمانی امام جواد (ع) بیانگر این نکات می باشـد. هـذا من فضل ربی - ما انعم الله عزوجل علی عبده نعمه فعلم انها من الله الا کتب الله جل اسـمه له شـکرها قبل ان بحمده علیها؛ هر نعمتی که خداوند صاحب عزت و جلال، به بنده اش عطا می کند، اگر او بدانـد که از جانب خداست، پیش از آنکه وی زبان به سـتایش باز کند، خداوند- که نامش با شـکوه است- شـکر نعمت را برای بنده اش می نویسد.

بقا و فنا

- ان لله عبـاداً یخصم بـدوام النعم، فلا تزال فیهم مـا بـذلوها، فـان منعوهـا نزعها الله عنهم و حولها الی غیرهم، همانا خداونـد را بنـدگانی است که ایشان را به دوام و بقای نعمت تخصیص می دهـد. پس، تا مادامی که بـذل و بخشـش می کننـد، نعمت در میانشان مانـدگار است و هرگاه از بهره منـد ساختن دیگران خودداری کنند، خداوند نیز آن نعمت را از آن ها گرفته و به افراد دیگری منتقل می گرداند. - ما عظمت نعمه احد الا عظمت حوائج الناس الیه، فمن لم یتحمل تلك المونه عرض النعمه للزوال؛ نعمت هیـچ کسـی فزونی نمی یابـد مگر آنکه نیـاز و مراجعه ی مردم به او فراوان می شود. پس، هرگـاه کسـی متحمل این بار گران (مراجعه ی نیازمنـدان و اربـاب رجـوع) نشود، آن نعمت نیز در معرض فنـا و زوال قرار خواهـد گرفت [و به دیگری عطا خواهد شد] .

آیین دوستی

یکی از محیط های «تبادل محبت» محافل دوستی و رفاقت است؛ به گونه ای که بسـیاری از طبقات گوناگون مردمی «عواطف» خود را در نشـست های دوستانه آشکار و منتقل می کنند. به عبارت دیگر، مجالسی که توسط دوستان تشکیل می یابد، محفل انس، محبت و مهرورزی است چنـانکه پس از پایـان مجلس وهنگام خـداحافظی، «آرامش و خرسـندی» در چهره ها و رفتارها نمایـان و محسوس می شود. امام جواد (ع) برای اسـتحکام بخشـیدن به این پیونـدها، مطالبی را بیان فرموده که به برخی از آنها اشاره می کنیم.

انگیزه ی رفاقت

– من استفاد اخا فی الله فقد استفاد اخاً فی الجنه؛ کسی که در راه خدا برادری به دست آورد، گویا برادری در بهشت نصیب خود ساخته است. – الناس اخوان فان کانت الاخوه فی غیر ذات الله فإنها تعود عداوه و ذلک قوله تعالی: الأخلاء یومئذ بعضهم لبعض عدو الا المتقین. مردم برادران یکدیگرند، پس اگر دوستی و برادری برای غیر خدا باشد، منجر به دشمنی می شود و این، فرمایش خداوند بلند مرتبه است که: «در روز قیامت به جز تقواپیشگان، برخی از دوستان با یکدیگر دشمنی می کنند.»

آیینه باش!

– من نصح الانسان لاخیه نهیه عنا لایرضاء لنفسه؛ از جمله نشانه های خیرخواهی آدمی نسبت به برادرش، بازداشتن اوست از آنچه خود نمی پسندد.

آفت دوستی

– لاتفسد الظن علی صدیق قد اصلحک الیقین له؛ مبادا به سبب گمان [بد] در حق دوست، یقین خود را درباره ی خوب بودن وی، فاسد و تباه گردانی!

مساعدت و همیاری

– من صدق صحبه الرجل اسقاط المونه عن اخیه؛ یکی از نشانه های صداقت آدمی در دوستی، برطرف کردن مشکل برادرش می باشد.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹